اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت یکصد و چهل و چهارم)

درمان بیماری (بخش پانزدهم)

گرمی و سردی (۳)

جهنم و بهشت

فرق بزرگی بین این دنیا و جهنم وجود دارد. این دنیای فانی نقش مکانی را دارد که در آن آدمیان باید خود را در آن درمان و اصلاح کنند. اما جهنم جای درمان نیست و بلکه جهنم عاقبت کار است. تمام بیماریها و گرفتاریهای این دنیا به این جهت برای ما پیش میایند تا که ما بوسیله پاس کردن آن (و البته چگونگی و روش پاس کردن آن مهم است) درمان شویم. اما جهنم یک مکانی است که اصلاح و درمان در آن وجود ندارد. افرادی که به جهنم میروند، تا ابد و برای همیشه در آنجا می مانند. این که از

بهشت به زمین آمدیم، ریسک و قمار بود. اما رفتن به جهنم؛ خطرناک و نابود کننده است. رفتن به بهشت هم پیروزی واقعی است. ممکن است کسی سوال کند که جاودانه ماندن گناهکاران در جهنم برای همیشه، به دور از رحمت خداست. اما باید بدانیم که جهنم یک نوع سبک زندگی است که خود جهنمیان از همین جهان فانی آن را استارت میزنند و در نهایت به جهنم میرسند. افراد به خاطر یک روز دو روز گناه به جهنم نمی روند، بلکه آنان یک عمر زندگی، با سبک غلط ادامه داده اند و خود را از نظام رحمانی دک کرده اند. جهنم یک مسیر و یا مصیر غلط است و در نهایت میشود یک پناهگاه برای گناهکاران (مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا)**. گناهکارانی که سبک زندگیشان غلط است و در نهایت از دست خود خسته میشوند و در نتیجه ماوی و پناهگاه آنان جهنم خواهد بود. زیرا سبک زندگی غلط فقط با جهنم سازگار است. زندگی در جهنم نسبت به زندگی این دنیا، زندگی نیست و بلکه عذاب است ولی به هر حال آنان در جهنم جاودانه می مانند (فایل ۱ و فایل ۲). آخر الزمان، زمانی است که زندگی در این دنیا، بیشترین شباهت و نزدیکی را با جهنم دارد. همچنین جهنم نقش رصد کنندگی را در این جهان دارد. جهنم هنوز به کیهان ما نزدیک نشده است. اما روز آخر شدن دنیا، به اینجا آورده میشود. بنابراین روز بروز نقش رصد کنندگی آن هم بیشتر میشود.**

وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّىٰ لَهُ الذِّكْرَىٰ ﴿٢٣﴾

و جهنم را در آن روز [حاضر] آورند آن روز است که انسان پند گیرد و[لی] کجا او را جای پندگرفتن باشد (۲۳)

موجودیت جهنم دارای ماهیتی است که تا حدی در این دنیا هم سیطره دارد و بر کافرین محیط است . مثلاً کسی که افراط و تفریط می‌کند در محوطه رصد جهنم قرار می‌گیرد و جهنم بر او محیط می‌شود. البته در این دنیا هم افراد بد، یک جهنم دنیایی برای خود درست می‌کنند که کم کم و در درازای زمان به آن سمت نزدیک می‌شوند. در آخرت همه این جهنم‌های خودساخته یکی می‌شوند. در واقع جهنم یک نوع دام است که افراد با دوری از نظام رحمانی در آن می‌افتند.

یکی می‌گفت که در وجود من دو نوع خواهش وجود دارد:

یک: بعضی مواقع دلم می‌خواهد تمام دنیا را بگردم

دو: بعضی مواقع دیگر دلم می‌خواهد مدتها در یک گوشه تنها بنشینم

به این حالت می‌گویند تبذیر، زیرا اولین خواهش نوعی افراط است و دومین هم تفریط است. وقتی فرد از افراط حالش به هم بخورد، می‌رود سمت تفریط. و همچنین وقتی از تفریط حالش به هم بخورد می‌رود سمت افراط. این افراد اختیارشان دست خودشان نیست و مثل یک آونگ هر لحظه یک طرفند. آنها بالاجبار یا این طرفند و یا آن طرف و حد وسط به آنها لذت نمی دهد.

خیلی ها سبک و استایل زندگیشان بر این منوال است؛ بعضی مواقع افراط و بعضی مواقع تفریط. افراط میکنند و بعد که از افراط خسته شدند، میروند سمت تفریط. قرآن چرخش بین افراط و تفریط را تبذیر می نامد. شیاطین به سمت این نقاط فرا می خوانند. زیرا این نقاط تبذیری به نوعی تحت شعاعهای جهنمی قرار دارند. به همین خاطر خدای مهربان مبذرین را برادران شیاطین می نامد (إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ)**. قرآن کتاب کاملی است و تنها کتابی است که ما برای خوشبختی و روش زندگی نیاز داریم. در مجموعه مقالات جادوی شیاطین، فقط از آیات قرآنی به عنوان منبع دین استفاده میشود و در این مقالات ثابت شد که روش زندگی خویش را باید از تنها قرآن اخذ کنیم. دلیل این امر خیلی ساده است؛ چون منابع دیگر در کنار قرآن، اصلا چیزی برای گفتن ندارند. به مطالبی که در قرآن آمده است، اعتماد کنید تا هدایت شوید. بدون اعتماد به خدا هدایت امکان پذیر نیست.**

نظام رحمانی بر اساس افراط و تفریط درست نشده است و با حالت افراط و تفریط سازگار نیست و این حالت را طرد میکند. کسی که در این دنیا در نقاط افراط و تفریط زندگی کند و جزو مبذرین باشد، به او خوش نخواهد گذشت و بزودی از نظام رحمانی نا امید میشود. زیرا نقاط افراط و تفریط در رصد جهنم قرار دارند و جزو زندگی از نوع جهنمی هستند. توجه کنید که نظریه کارما یک نظریه شیطانی است، زیرا فقط برای افرادی صادق است که در حالت تبذیر باشند.

آیه قرآن می فرماید که جهنم بر کافران احاطه دارد و بر آنان محیط است (إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ)**. زیرا شرایط جهنمی بر نقاط تبذیر (افراط و تفریط) مسلط و محیط است. هر کسی در این نقاط قرار گیرد، تحت شعاعهای جهنمی قرار دارد و به حس رضایت از نظام رحمانی** (راضیه مرضیه) **نخواهد رسید.**

يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿٥٤﴾
و شتابزده از تو عذاب می خواهند و حال آنکه جهنم قطعا بر کافران احاطه دارد (۵۴)

در سیستم شیطانی حد وسط وجود ندارد، عقربه یا نمی‌چرخد یا تا آخر می‌چسبد. مردم به گرمای زیاد، سرگرمی زیاد، شوخی زیاد، آهنگ زیاد، فیلم زیاد، و سایر دل خوش کنی‌های زیاد خودشان را مشغول کرده‌اند و به این طریق خود را در یک آونگ افراط و تفریط می اندازند. خیلی از فیلمها و کلیپها و آهنگها، انسانها را در این آونگ افراط و تفریط می اندازند و آنان را از زندگی در نظام رحمانی نا امید می کنند. فیلمها و داستانهای عشقی باعث شده است که مردم برای ازدواج، ایده آل گرا شوند و در نتیجه در دامنه تبذیر می افتند و زندگی شان مثل جهنم میشود. در این دنیای فانی، آدم ایده آل و کامل و از همه نظر کامل وجود ندارد و کسی که دنبال این چنین آدمی میگردد، در واقع خودش را در حالت تبذیر قرار میدهد و زندگی شبهه جهنمی پیدا میکند. مفاهیم عشق در محوطه تبذیر قرار دارد.

گرمی های زیاد نوعی افراط و تفریط هستند. شیطان رو به صفات افراط و تفریط و گرمی های جهنمی دعوت می‌کند. این صفات و گرمی ها از نظر معنوی مثل یک هاله و گرمی محیط و دور و بر افراد را می گیرند. افرادی که این نوع آتشها و گرمی های شیطانی را در وجود خود دارند؛ برای سیستم جهنم قابل رصدند و تحت شعاعهای او قرار دارند. مثلا ربا یک نوع گرمی است. کسی که ربا می‌خورد هیچ وقت از هیچی سیر نمی‌شود، زیرا هزینه‌های زندگیش بر اساس گرمی ربا تنظیم می‌شود. بنابراین گرمی جهنم بر زندگی آنان شعاع می اندازد. در جهنم افراد وقتی غذا میخورند، شکمهایشان را پر میکنند(فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ). این یک نوع افراط است. کسی که افراط میکند، به نوعی تحت شعاع جهنمی قرار دارد و البته ممکن است خودش متوجه نباشد. از آنجا که ربا یک نوع گرمی است، رباخواران طبق همین فرمول جهنمی عمل میکنند. اما این مربوط به این دنیاست. در آخرت، افراد جهنمی بطور کلی (و نه فقط در نقاط افراط و تفریط) در حیطه شعاعهای جهنمی قرار می گیرند. در این دنیای فانی کافیست که رحمانیت خدا نسبت به افراد کم شود؛ در آن صورت ما همگی تحت شعاع‌های جهنمی قرار می‌گیریم و رصد می‌شویم و اعمالمان تحت فرمولهای جهنمی قرار می گیرد. کارما محاسبه اعمال تحت افراط و تفریط است و به همین خاطر کارما در نظام رحمانی جایی ندارد و یک خرافه بیش نیست. اما برای افراد با زندگی جهنمی صادق است (لِلطَّاغِينَ مَآبًا **).**

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ﴿٢١﴾ [آری] جهنم [از دیر باز] کمینگاهی بوده (٢١)

لِلطَّاغِينَ مَآبًا ﴿٢٢﴾ [که] برای سرکشان بازگشتگاهی است (٢٢)

با این اوصاف، انسان در شرایط خطرناکی قرار گرفته است و باید برگردد به سمت و سوی خدای رحمان و پناه برد به آن قادر متعال و گرنه از همین دنیا، وارد زندگی شبیه جهنم میشود. مردم خودشان جهنم را انتخاب می کنند. شرایط بهشت و جهنم آنطوری نیست که نسل به نسل بدست ما رسیده است. جهنم و بهشت یک انتخاب است که افراد خودشان آن را در این دنیا انتخاب میکنند.

به فرموده قرآن، افرادی که وارد جهنم میشوند، تصور درستی از بهشت ندارند. به همین خاطر در جهنم، آنان آرزوی رفتن به بهشت نمی کنند و بلکه یک تصور خیلی کلی از آن دارند. قرآن صحنه گفتگوی جهنمیان و اهل بهشت را ترسیم کرده است. در این ترسیم، جهنمیان از بهشتی ها میخواهند که آب و رزقهای دیگر را به آنها بدهند (أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ**). آنها تصور درستی از بهشت ندارند و حتی رزقهای بهشتی بجز آب را بدرستی نمی شناسند.**

وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٥٠﴾

و دوزخیان بهشتیان را آواز می دهند که از آن آب یا از آنچه خدا روزی شما کرده بر ما فرو ریزید می گویند خدا آنها را بر کافران حرام کرده است (۵۰)

دلیل این امر آن است که آنها در این دنیای فانی هم تصور درستی از بهشت نداشتند. یک سایت آتئیست بود که وصف بهشت را اینطوری نوشته بود:

زن باره بودن بهشتیان، شکمو بودن بهشتیان، زیاده روی کردن در خوردن و مسائل جنسی، تنبلخانه و ...

اما اگر خوب توجه کنید، صفاتی که این سایت آتئیست از بهشت آورده است، مال بهشت نیست و بلکه علاقه و خیالات آنان است. کسانی که خدا را قبول ندارند، تصور درستی از بهشت و جهنم ندارند.

در جهنم، آدمیان هیچ آشنایی با بهشت ندارند و حتی آرزوی آن را هم نمی کنند. بلکه آنها به جای بهشت، آرزوی برگشت به زمین را دارند. زیرا آنها با زمین آشنایی دارند. اما تصور درستی از بهشت ندارند. البته حتی اگر به زمین برگردانده شوند، دوباره جهنم را انتخاب میکنند.

ثروتمندی فرزندش را میخواست تربیت کند. او پسرش را به یک روستا برد تا به او نشان دهد مردمی که در آنجا زندگی می کنند چقدر فقیر هستند. آنها یک روز و یک شب را در خانه محقر یک روستایی به سر بردند. در راه بازگشت و در پایان سفر،

مرد از پسرش پرسید: نظرت در مورد این سفر چه بود؟ پسر پاسخ داد :خیلی خوب بود پدر! پدر پرسید: پسرم آیا به زندگی آنها توجه کردی؟ پسر پاسخ داد: بله خیلی توجه کردم! و پدر پرسید: چه چیزی از این سفر یاد گرفتی؟ پسر کمی فکر کرد و بعد گفت: فهمیدم ما در خانه یک سگ داریم و آنها چهار تا. ما در حیاتمان یک فواره داریم که با برق کار میکند ولی آنها رودخانه ای دارند. ما در حیاتمان فانوسهای تزئینی داریم ولی آنها ستارگان را دارند. حیاط ما به دیوارهایش محدود می شود اما باغ آنها بی انتهاست! پسر اضافه کرد: متشکرم پدر که به ما نشان دادی که ما واقعا چقدر فقیر هستیم.

این فقط یک داستان بود. در این داستان، پدر پیش از این مسافرت، تصور درستی از خوشبختی و امکانات نداشت. او به اشتباه فکر میکرد، او از همه داراتر است و یک زندگی بهشتی جور کرده است. اما پسرش، شرایط بهتر را فهمید و آن را درک کرد. بر همین منوال جهنمیان و آئیستها تصور درستی از زندگی بهشتی ندارند. آنها زندگی جهنمی را با زندگی بهشتی اشتباه گرفته اند.

جهنمیان چه در جهنم و چه در این دنیای فانی تصور درستی از زندگی بهشتی ندارند. به همین خاطر آنان جهنم را انتخاب میکنند. برخلاف تصور بعضی ها، بهشت تنبل خانه و فاحشه خانه و یا سلف سرویس نیست که شکمها تا حد ممکن پر شوند. بلکه بهشت جایی است که صبر و شکیبایی و تعادل و عدم اسراف و عدم افراط و تفریط و عدم تبذیر در آن جزو آیتمهای اصلی است. کسانی که در این دنیا صبر بخرج ندهند،

نمیتوانند وارد بهشت شوند. زیرا صبر در بهشت جزو آیتمهای ضروری زندگی آنجاست. به همین خاطر در قرآن، فرشتگان بر بهشتیان بخاطر بدست آوردن صبر، سلام می فرستند.

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ ﴿۲۴﴾
[و به آنان می گویند] درود بر شما برای آنکه صبر بدست آوردید راستی چه نیکوست فرجام آن سرای (۲۴)

مومنان باید بهشت وار **زندگی کنند تا بتوانند وارد بهشت شوند. افراد باید از چیزهایی که دل به آن بسته اند و آن را به عنوان گرمی در زندگی پذیرفته اند، انفاق کنند و از آن ببخشند و گرنه به صفات بهشتی همچون** الْبِرَّ = نیکی **نخواهند رسید. برای بدست آوردن بهشت باید صفات بهشتی همچون صبر، بردباری، نیکی، بخشش و ... در این دنیای فانی بدست آورد.**

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿۹۲﴾
هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید و از هر چه انفاق کنید قطعا خدا بدان داناست (۹۲)

کسانی که جهنم وار زندگی میکنند، بعد از مرگ همان روش زندگی را ادامه میدهند و وارد جهنم میشوند. اما بهشت وار زندگی کردن یعنی:

- **طبق نظام رحمانی زندگی کردن**
- **مثلا برای درمان بیماری، از همان روشهای رحمانی استفاده کردن**
- **صبر وبردباری پیشه کردن**
- **اعتدال در روش زندگی**
- **پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک**
- **عفت و پاکدامنی و بصیرت و چشمان خود را حفظ کردن**
- **و سایر صفات بهشتی**

اما جهنم وار زندگی کردن یعنی:

- **طبق روش شیطانی زندگی کردن**
- **برای درمان بیماری از روشهای غیررحمانی و مخدرات استفاده کردن**
- **عدم وجود تقوا در زندگی**
- **عدم وجود صبر در زندگی**
- **پندار بد، کردار بد، گفتار بد**
- **عدم اعتدال در خوردن و سایر امورات زندگی**

- **شکم بارگی و شهوترانی**
- **و سایر صفات جهنمی**

مردم بعد از مردن، بنا به طریقه زندگی در این دنیا، همان روش را ادامه میدهند. اگر روششان شبیه به جهنم باشد و جهنم وار زندگی کنند، به جهنم خواهند رفت و اما اگر روش زندگی شبیه به بهشت باشد، به بهشت می روند. خدای مهربان با نازل کردن دستورات خود، سعی میکند که انسان را با روش بهشتی زندگی آشنا کند و بعد آنان را وارد آن کند. وقتی کسی بخواهد یک هواپیما را براند، باید ابتدا او را با آن آشنا کرد و اصول ابتدایی آن را باید یاد گرفت. برای رفتن به بهشت، باید اصول اولیه آن را یاد گرفت. خدای رحمان میخواهد چنین آموزشی به ما بدهد. اما مردم پی به این موضوع نمی برند و متاسفانه به روش جهنمی در زندگی تمایل دارند.

خدا در قرآن می فرماید (وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ = و در بهشتی که برای آنان شناسانده است، آنان را درمی آورد). **یعنی باید با شرایط شبیه به بهشت زندگی کرد تا بتوان بعد از مرگ همان را ادامه داد. آدمیان وارد بهشتی می شوند که از قبل در این دنیا شناسانده شده اند و یا دنبال آن بوده اند. البته اشتباه نکنید؛ بهشت وار زندگی کردن به معنای غرق شدن در امکانات نیست. بلکه طریقه درست زندگی کردن براساس امکانات موجود است.**

سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ ﴿۵﴾
به زودی آنان را راه می نماید و حالشان را نیکو می گرداند (۵)

وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ ﴿۶﴾
و در بهشتی که برای آنان شناسانده است، آنان را درمی آورد (۶)

در بهشت، مردم خواسته هایشان تسبیح خداست (سبحانك اللهم =خدایا تو پاك و منزهی)**. سلام و احوال پرسیشان، درود و سلام و آشتی و صلح است** (وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ = درودشان در آنجا سلام است)**. همچنین خواسته های دیگرشان ستایش خدای عالمیان است** (وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ = نیایش دیگر آنان این است که الحمد لله رب العالمین =ستایش ویژه پروردگار جهانیان است)**. این طرز زندگی باید از همین جهان و دنیا شروع شده باشد و گرنه افراد وارد بهشت نخواهند شد. باید این طریق زندگی را از همین دنیای فانی استارت زده باشید و گرنه به بهشت نخواهید رفت. براساس آیات قرآنی، در بهشت سایه وجود دارد. پس نتیجه می گیریم که بهشت هم یک سری محدودیتها دارد و برای زندگی در بهشت، باید صبر داشته باشید و در این دنیا صفات صبوری برای خود جمع کرده باشید. در واقع بهشت برای مومنان ادامه زندگی این دنیاست. البته با ده ها برابر شدن همه چیزهای خوب و نیک.**

دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠﴾

نیایش آنان در آنجا سبحانك اللهم [=خدایا تو پاك و منزهی] و درودشان در آنجا سلام است و پایان نیایش آنان این است كه الحمد لله رب العالمین [=ستایش ویژه پروردگار جهانیان است] (١٠)

ما پایه های بهشت و جهنم خود را در همین دنیا خواهیم ساخت. بعد از مرگ این پایه ها تعیین میکنند که به کدام سوی خواهیم رفت. پایه ها و ستونهای بتنی یک ساختمان باید طبقه طبقه و به آرامی بالا رود. ابتدا فنداسیون آن را طراحی میکنید. بعد بتن میریزید و بعد باید چند هفته صبر کنید تا بتن خشک شود و بعد یک طبقه دیگر بالا ببرید و دوباره باید صبر کنید تا بروید سراغ طبقات بعدی. بطور متوسط هفتاد سال زندگی ما در این دنیای فانی، به این علت است که ما این ساختمان و بیت را برای خود بنا کنیم. زن فرعون، آسیه خیلی خوب بهشت را می شناخت. او در خانه فرعون زندگی میکرد. قطعا در خانه فرعون، هر امکاناتی که به ذهن خطور کند در اختیارش بود. اما او زندگی بهشتی میخواست و میخواست طوری در این دنیا زندگی کند که بتواند در آن دنیا ادامه دهد. او از خدا میخواهد که خانه ای در بهشت برایش بنا کند. او امکانات فانی این دنیا را نمی خواست و برایش بی ارزش بود. او میخواست صفات

بهشتی برای خودش کسب و جمع کند. صفاتی همچون صبر، بردباری، صلح، تسلیم، سلام، ستایش خدای عالمیان و ...

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿١١﴾

و برای کسانی که ایمان آورده اند خدا همسر فرعون را مثل آورده آنگاه که گفت پروردگارا پیش خود در بهشت خانه ای برایم بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات ده و مرا از دست مردم ستمگر برهان (۱۱)

بعضی ها میگویند که بهشت جای ثروتمندان است. اما این تفکر اشتباه از آنجا ناشی میشود که آنان تصور درستی از بهشت ندارند. کسی که اینطوری فکر میکند، نمیتواند وارد بهشت شود. خدا بی نیاز است و نیازی به عبادت و زکات انسانها ندارد. خدا غنی است. اگر به آنها دستور میفرماید که بخشش کنند و نماز و روزه به پا دارند، بخاطر این است که انسانها صفات بهشتی کسب کنند. مهم کسب صفات بهشتی است. اگر یک فرد قدرتمند و یا ثروتمند بیمار شود، از آنجا که پولدار است میتواند با امکانات بیمارستانی خیلی زود از نظر ظاهری خوب شود. این فرد با پولش خیلی از مشکلات را ظاهرا حل خواهد کرد. او میتواند در هر روشی پارتی بکار گیرد، اما او با این روش خود را از صفاتی همچون، صبر، بردباری، تحمل و ... محروم میکند. او صفات معنوی

برای خودش درست نمی کند. کسی که به روشهای بهشتی در زندگی اعتقاد نداشته باشد، به بهشت نخواهد رفت.

دین یک کلمه اوستایی است به معنای روش و بینش زندگی تا که بوسیله اجرای آن، صفات بهشتی بدست آورید. ایوب فرد ثروتمندی بود، اما سبک و استایل زندگی او، بدن او را بیمار کرد. اما جالب است که او بعد از اعتراف، این سبک غلط را به شیطان نسبت میدهد. توجه کنید که مومنان واقعی مثل ایوب، در دعاهای خویش، نزد خدای عالمیان به گناهان خویش اعتراف میکنند.

وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ﴿۴۱﴾
و بنده ما ایوب را به یاد آور آنگاه که پروردگارش را ندا داد که شیطان مرا به رنج و عذاب مبتلا کرد (۴۱)

اما ایوب با سبک جدید زندگی که شروع کرد (سبک زندگی جدید ایوب)، صفات اوابی و صبوری برای خود کسب کرد. طبق گفته تورات، ایوب خیلی ثروتمند بوده است و نزدیک به هزار خدمتکار داشته است. اما او سبک زندگی خود را زیرو رو کرد و به این طریق بهشت را بدست آورد. دینهای شناسنامه ای بی اعتبارند. مردم دنیا ۳۲ درصدشان مسیحی اند و نزدیک نوزده درصد مسلمان. اما واقعیت این است که هیچکدام از این ارقام درست نیست. تعداد مسلمان مومن شاید به صد هزار نفر هم

نرسد. تعداد مسیحیان معتقد هم شاید به صدهزار نفر نرسد. سبک زندگی آدمیان (و نه اسم و مذهب ارثی آنان) است که مومن بودن آنان را تعیین میکند. متاسفانه بیشتر مردم جهان وارد جهنم خواهند شد. زیرا آنان وارد جایی میشوند که برای صفات آنجا تلاش کرده باشند.

وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١٣﴾
و اگر می خواستیم حتما به هر کسی [از روی جبر] هدایتش را می دادیم لیکن سخن من محق ق گردیده که هر آینه جهنم را از همه جنیان و آدمیان خواهم آکند (١٣)

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٧﴾
آری گفته [خدا] در باره بیشترشان محقق گردیده است در نتیجه آنها نخواهند گروید (٧)

سبک زندگی (دین) است که آدمیان را وارد بهشت یا جهنم میکند. یوم الدین که در قرآن آمده است، روزی است که سبک زندگی های همه رو میشود و این سبک زندگی هاست که تعیین میکند که هر فردی کجا میرود. کسانی که در این دنیای فانی از گرمی های شیطانی و افراط و تفریط استفاده کرده باشند، داخل یک حباب گرمی خود را نگه میدارند و این حباب آنان را احاطه میکند(بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ)**. زمانی که قیامت شود؛ جهنم میاید و تمام این حبابها را جذب خود میکند. خاصیت فیزیکی جهنم طوری است که جهنم کاری به افراد ندارد؛ بلکه او حبابهای**

گرمی را جذب میکند. در آن روز افراد همراه حباب خود خواهند بود. انفاق در دنیای فانی نوعی سردی است که برای ترکاندن حبابهای گرمی باید استفاده شود.

بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۸۱﴾

آری کسی که بدی به دست آورد و گناهش او را در میان گیرد پس چنین کسانی اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود (۸۱)

اما کسانی که در این دنیای فانی پندار نیک و کردار نیک برگزینند، داخل حبابهای گرمی نخواهند بود و وارد بهشت خواهند شد. پندار نیک، کردار نیک جزو مهمترین سردی هایی است که انسانها میتوانند بوسیله آن زندگی سخت دنیایی را طی کنند و از آن نجات یابند.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۸۲﴾

و کسانی که ایمان آورده (پندار نیک) و کارهای شایسته کرده اند (کردار نیک) آنان اهل بهشتند و در آن جاودان خواهند ماند (۸۲)

برای گذران زندگی در این دنیا، باید سردی ها را بکار برد و همچنین گرمی ها را هم بوسیله این سردی ها کنترل و معتدل کرد. گرمی زیاد باعث به هم خوردن فاصله هزینه و در آمد میشود و عملا زندگی ها بهم میخورد. خدا به اندازه و مقدار مشخصی برای هر فردی نازل میکند (وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ)**. اما اگر فاصله درآمد و هزینه**

زیاد شود، دیگر همه معادلات بهم میخورد. در نظام رحمانی این فاصله معتدل است اما در نظام شیطانی، فاصله زیاد است. متاسفانه بعضی از مردم، درآمدهای خود را صرف ایجاد گرمی های کاذب میکنند و خود و جامعه خود را بیمار میکنند. گرمی های کاذب، هیزم مشکلات جامعه میشود و دود آن به چشم همه خواهد رفت.

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ ﴿۲۱﴾

و هیچ چیز نیست مگر آنکه گنجینه های آن نزد ماست و ما آن را جز به اندازه ای معین فرو نمی فرستیم (۲۱)

خدای حکیم می فرماید که در جهنم، به کسی ظلم نمیشود. همین آیه نشان از آن دارد که جهنم یک سبک و استایل زندگی غلط است که نصیب کسانی میشود که در این دنیا سبک زندگیشان غلط و شیطانی است. در جهنم به کسی ظلم نمیشود؛ زیرا زندگی آنان در جهنم دقیقا آن چیزی است که خود مردم در این دنیا میخواسته اند.

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿۱۶۰﴾

هر کس کار نیکی بیاورد ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت و هر کس کار بدی بیاورد جز مانند آن جزا نیابد و بر آنان ستم نرود (۱۶۰)

اگر به گرمی های شیطانی عادت شود و ادامه یابد، شیطان میتواند روان انسانها را برای خود شکل دهد و آنانرا به یک شیطان مثل خودش تبدیل کند.

سبک زندگی غلط ، انسانها را در همین دنیا هم به خطر می اندازد. سرطان بیماریی نیست که آدمی را بکشد؛ بلکه نام سرطان است که آدمیان را نا امید کرده و آنانرا میکشد. دانشمندان علوم پزشکی طی آزمایشی روی بعضی بیماران سرطانی، مشخص کردند که این افراد را بیماری سرطان نکشته است. بلکه آنان بعد از شنیدن کلمه سرطان، استرس و غم و غصه پیدا کردند و اعضای دیگر مثل قلب، کلیه، کبد و ... آنان از کار افتاد و براثر آن مردند. خود سرطان نمی کشد، بلکه کلمه سرطان است که میکشد. اینها یک نوع نام گذاری است که بشر خودش انجام داده است و بلای جان خودش شده است.

إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى ﴿۲۳﴾

[این بتان] جز نامهایی بیش نیستند که شما و پدرانتان نامگذاری کرده اید [و] خدا بر [حقانیت] آنها هیچ دلیلی نفرستاده است [آنان] جز گمان و آنچه را که دلخواهشان است پیروی نمی کنند با آنکه قطعا از جانب پروردگارشان هدایت برایشان آمده است (۲۳)

ما همه میدانیم که مردن صددرصد (نه حتی نود و نه درصد) دست خداست. با این حال آدمیان از چیزی که حتی یک درصدش هم دستشان نیست میترسند. آدمی باید از چیزی بترسد که حداقل یک درصدش دست خودش است. چیزی که دست خداست و آن خالق یکتا خودش انتخاب میکند، ترس ندارد و بلکه باید اطمینان کرد. مرگ حق است و حق تر از مرگ وجود ندارد. هیچ کسی بهتر از خدا، مصلحت ما را در مرگ و زندگی نمیداند.

کسی که فکر میکند در بهشت، مشروب الکلی وجود دارد، در واقع دارد برای جهنم کار میکند. زیرا در جهنم زقوم وجود دارد که به معنای واقعی مخدر است. مشروب الکلی حاصل میوه های گندیده است (رجوع شود به مقاله مشروب الکلی). میوه های قند دار گندیده؛ چنان تغییر ماهیت می دهند که قند آنها به یک نوع قند غیر قابل تجزیه و غیر قابل استفاده برای بدن ما تبدیل میشود. بدن انسان نمیتواند از قند موجود در الکل استفاده کند و در نتیجه مصرف کنندگان بعد از مصرف ، کسل و ناتوانند، طوریکه بدن مجبور است از ویتامینهای از قبل موجود در بدن استفاده نماید. بدن ، بعد از مشروب خواریهای فراوان، ویتامینهای اصلی و ضروری خویش را از دست میدهد.

کسی که فکر میکند، در بهشت، مشروب الکلی وجود دارد، در واقع دارد جهنم را برای خود تصور میکند ولی به اشتباه فکر میکند بهشت آنجاست. میتوان گفت که این افراد، بهشتشان همان جهنم است.

مشکلات جهنمیان در جهنم به این خاطر است که آنان سبک زندگی غلطی در جهنم دارند. آنان به این خاطر به جهنم میروند زیرا در همین دنیا از این سبکهای غلط دوست داشتند و در نتیجه به جایی میروند که همان سبک زندگی غلط وجود دارد. البته با این تفاوت که در جهنم، دیگر ماهیت واقعی گناهان رو میشود و نمیتوان آن را زینت داد. یوم الدین یعنی روزی که هر کس دنبال دین خودش میرود. دین یعنی سبک زندگی. پس یوم الدین یعنی روزی که هر کس دنبال سبک زندگی خودش میرود. براساس سبک آیات قرآن، متوجه خواهیم شد که سبک زندگی در جهنم برای آنان آشناست. آنان وقتی وارد جهنم میشوند، متوجه انتخاب غلط خود خواهند شد ولی دیگر کاری نمیشود کرد. زیرا اگر حتی برگردانده شوند، باز هم همان روش غلط را بر می گزینند. آنان دلشان با آن روشها و استایل غلط زندگی بوده است و هست و خواهد بود. جهنم یک استایل و سبک زندگی است که از همین دنیا شروع میشود. اما در این دنیا مردم چه جهنمی و چه بهشتی با هم هستند. اما روز جدایی خواهد آمد و این سبکها از هم جدا خواهند شد. به همین خاطرخدا آن روز را يَوْمَ الْفَصْلِ **، یعنی روز جدایی می نامد.**

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٠﴾
در حقیقت روز جدایی موعد همه آنهاست (۴۰)

يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلًى عَنْ مَوْلًى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ﴿٤١﴾
همان روزی که هیچ دوستی از هیچ دوستی نمی تواند حمایتی کند و آنان یاری نمی شوند (۴۱)

إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٤٢﴾
مگر کسی را که خدا رحمت کرده است زیرا که اوست همان ارجمند مهربان (۴۲)

در روز جدایی، این دو نوع سبک زندگی جدا میشوند. در این دنیای فانی هر دو سبک در کنار هم هستند ولی در روز جدایی، سبکها تفکیک میشوند و هر کس به سمت خودش خواهد رفت. کسانی که صفات بهشتی برای خود کسب کرده باشند، به بهشتی خواهند رفت که آن صفات در آنجا وجود دارد. اما جهنمیان به جایی خواهند رفت که خودشان به اشتباه آنجا را بهشت می پندارند و می پنداشتند.

آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین